

آسیب‌شناسی دینی

تألیف:
مجید محمدی

فهرست

۹

مقدمه

۱۳

بخش اول : موقعیت دین شناسی معاصر

۱۵

۱- بحران دین شناسی

۲۵

۲- تحقیقات دین شناختی : پیش فرضها و کاستی ها

۳۳

۳- کارنامه معارف دینی

۵۹

بخش دوم : آسیب شناسی دینی

۶۱

۴- آفات باورهای دینی

۷۹

۵- آفات اندیشه دینی در هنر

۸۵

۶- آفات جامعه دینی

۹۳

بخش سوم : نقادی

۹۵

۷- دین و سنت نقادی

۱۰۳

۸- نقد درونی و بیرونی فقه موجود

- | | |
|-----|-------------------------------|
| ۱۲۱ | بخش چهارم: دین و جامعه |
| ۱۲۳ | ۹ - شریعت و دنیای امروز |
| ۱۶۵ | ۱۰ - جامعه دینی - حکومتی دینی |
| ۱۶۹ | ۱۱ - محتوا و قالب دینی |
| ۱۷۵ | ۱۲ - انتظار نسل انقلاب از دین |
| ۱۸۳ | ۱۳ - زیان و دین |
| ۱۹۵ | ۱۴ - دمکراسی و دین |
| ۲۱۱ | ۱۵ - ایمان انقلابی |

مقدمه

انقلاب دینی و داعیه حکومت دینی و اداره جامعه براساس باورها و احکام دینی، دین را به بزرگترین مسئله دوران ما در ایران تبدیل کرده است. اگر این باورها و مدعیات را در چارچوب تحولات جامعه بشری و مسائلی که در حیطه اندیشه، تفکر و احساس بشر رخ داده (سيطره قدرت، ثروت و علم تجربی و کاربردی، تفکر تحلیلی، نقادی و پدیدار شناسانه و واقعیتی به نام «تفنن» و سرگرمی که مهم‌ترین عنصر آن هنر است) در نظر آوریم هرچه جدی‌تر بودن مسئله برای ما روشن‌تر خواهد شد.

در مورد مسائل دوران معاصر برخی معتقدند که دینداران به آنچه مطلوب می‌پنداشته‌اند، رسیده‌اند و خلاصی عملی و نظری وجود ندارد و انقلاب دینی همه مشکلات را حل کرده یا بزودی و به آسانی حل می‌کند؛ ولی گروهی در مقابل-چه از جمیع روشنفکران دینی یا از جمیع روشنفکران لائیک یا سکولار- بر این باورند که دینداران در رسیدن به مدعیات یا خواسته‌های خود قاصر بوده و مسئله عمدۀ نیز مشکلات نظری است. بنا به اعتقاد این گروه، انقلاب مسائل تازه‌ای را نیز بر جمیع مسائل پیشینی که دین و دینداران با آن مواجه بوده‌اند افزوده است. خلاصه کلام این دو گروه وجود یا عدم خلاطه توریک است. گستنگی

محتوایی میان این دو گروه با مباحث خود آنها براحتی قابل التیام نیست. می‌توان براساس واقعیت‌های موجود به طرح مسائل موجود در مباحث دین‌شناسی معاصر، آسیب‌شناسی، نقادی و جامعه‌شناسی دینی پرداخت و از این طریق به همگرایی دو گروه فوق کمک کرد.

مسائل موجود به هر شکل که باشد واقعیتها، نشان از بحران‌هایی دارند که «ساختی» شده‌اند. با جستجو در ریشه‌ها در همه عرصه‌ها اعم از اقتصاد و سیاست تا هنر و فرهنگ به مسائل بنیادی ای می‌رسیم که یک سر آنها به باورهای دینی متصل است و این ناشی از طرح رهیافت ایدئولوژیک به دین است که آن را در همه عرصه‌ها جاری و ساری ساخته است. دید «بحران» شناسانه به کشف آن مسائل بنیادی پاری می‌رساند.

دقت در انواع «تحقیقات دینی» در جامعه ایران و قوت و ضعف هر یک و بررسی پیش‌فرضها و کاستی‌های هر کدام در کنار بررسی آماری - محتوایی آثار منتشره در مورد دین، که نشانگر کار عالمنان یا روش‌فکران دینی است تصویری روشن‌تر از موقعیت دین‌شناسی ما به دست می‌دهد. بخش اول این کتاب متنکفل مطالب فوق الذکر است.

مسئله دیگری که بخوبی ناظر بر مشکلات نظری است وجود آسیبها و آفت‌های است. «آفات باورهای دینی» به عنوان موجودات و پدیده‌هایی مستقل، «آفات اندیشه دینی در عرصه‌های دیگر» ای مثل فلسفه، علم و مهم‌تر از همه در هنر (به دلیل ابهام چارچوبی و مرزی میان آن دو در یک جامعه دینی - ایدئولوژیک) و «آفات یک جامعه دینی» نشان از وجود مسائلی دارند که حتی اگر نتوان آنها را براحتی حل کرد، حداقل می‌توان درباره آنها اندیشید. این شناخت می‌تواند ما را به فهم بحرانها یک گام نزدیک تر کند. بخش دوم در این محدوده قرار می‌گیرد.

بخش سوم از ضرورتها یا چراجی «سنت نقادی» در دین سخن گفته و در یک

عرصه (فقه) چنین کاری را انجام می‌دهد. جدی گرفتن سنت نقادی یکی از راه حلهاست که هم می‌تواند راههای خروج از بحران را نشان دهد و هم سهم کسانی را که دغدغه دین دارند در این تلاش افزایش می‌دهد.

بخش چهارم طرح مسائل دینی معاصر در یک چارچوب عمدتاً جامعه شناختی است. «شریعت و دنیای امروز» نقاط برخوردهای دین با انسان و جامعه را در قالب مسائل مربوط به احساس، تجربه آزاد، ایدئولوژیک شدن شریعت، عجز، شادی و یگانگی، عادت، تداوم، تشریفات، انفعال، فردیت، هویت ملی، خشونت و فرقه‌گرانی مطرح می‌کند. «جامعه دینی- حکومت دینی» به دنبال طرح رابطه نوع و میزان دینی بودن جامعه با دینی بودن حکومت جهت فهم آسیبهای هریک است. «محبتوا و قالب دینی» مسئله اصالت معنی یا ظاهر را که یک بحث کهنه است با موارد جدید بررسی می‌کند. «انتظار نسل انقلاب از دین» یک بحث در چارچوب جامعه شناسی دینی است و تحولات فکر دینی را بر اساس انتظارات جامعه از آن مطرح می‌کند. در «زیان دین» از ویژگیها، کارکردها و معانی زیان دین در چارچوب جامعه شناسی زیان و زیانشناسی بحث می‌شود. «دمکراسی و دین»، «چهره‌های گوناگون دین را در برابر انگاره‌های گوناگون دمکراسی قرار می‌دهد و سازگاریها و ناسازگاریها را بررسی می‌کند. «ایمان انقلابی» نیز دو مفهوم ایمان و انقلاب را در برابر یکدیگر بررسی می‌کند.

این کتاب جمع آمده از مقالات پراکنده نویسنده در باب دین است که از تجربه‌های محدود ولی حاکی از درگیری جدی او حکایت می‌کند. در هر یک از مباحث، ارزیابی چگونگی‌ها باید بر ارزیابی چیزی‌ها تقدم داشته باشد.

بخش اول:

موقعیت دین‌شناسی معاصر

۱ - بحران دین شناسی

تلقی ما از بحران

روزگار ما روزگار بحرانها و بن بسته است. ما در بحرانها زندگی کرده و از یک بحران به بحران دیگر نقل مکان می کنیم. بسیاری از جوامع بحرانهای خود را به جوامع دیگر صادر می کنند و جوامعی هم هستند که کارشان و ارادات بحران است. از بحران در جهان واقعی که بگذریم در صحنه اندیشه و تفکر نیز به دلیل تاثیرات متقابل توری و واقعیت و پذیرش و جدی گرفتن تحول در روزگار ما، بحرانها یک به یک رخ می نمایند. آمدن الگوها و طرحهای عمومی متواالی برای تبیین مسائل و مشکلات مطرح در دانشها، نشانه خوبی است بر حضور بحرانهای متواالی در دوره های گذار.

سخن از بحران در یک دانش می تواند چندین موضوع را مد نظر داشته باشد: تعداد دانشجویان و تعلیم گیرندهای آن علم (اندک بودن یا بیش از حد بودن آنان) یا عدم تناسب در تعداد تعلیم گیرندهای یک گرایش نسبت به گرایش های دیگر، کم توجهی یا توجه بیش از حد جامعه به آن، عدم پاسخ گویی آن به نیازها یا انتظارات، تعداد بیشمار یا اندک عالمان یا محققان آن و پایان رسیدن عمر تاریخی یک علم (که بسیار بعید و اندک شمار است).

منظور ما از بحران دین شناسی هیچ یک از اینها نیست، گرچه مواردی از آنها در قلمرو دین شناسی خود را نمایان ساخته اند. بحران مورد نظر ما روشن نبودن مسائل است.

دین شناسی که از مرتبه‌ای دیگر به دین می‌نگرد و «دین» را موضوع خویش قرار می‌دهد مجموعه‌ای است از مسائل. حال اگر خود این مسائل در یک قلمرو روشن نباشند، طبیعت‌تأمل و اندیشه متوقف می‌شود و همین را می‌توان بحران نامید. در جامعه امروز ما و مراکز علمی- دینی آن، مسائل مبتلا به برای محققان و اهل علم وضوح زیادی نیافته است.

علت این عدم وضوح را می‌توان (۱) بی ارتباطی فرهنگ دینی با دیگر معارف بشری (۲) دور بودن اندیشه دینی ستی از فضای امروزین (۳) مطرح نبودن نیازهای انسان امروز در معارف دینی ستی و (۴) ایدئولوژیک دیدن دین، که دین را یک مجموعه مدون و دست ناخورده برای حکومت و به دست گرفتن قدرت تلقی می‌کند، دانست. در یک دوره بعد به این نتیجه رسیدیم که هم مسئله و هم پاسخ آن روشن است. در دوره بعد به این نتیجه رسیدیم که پاسخها چندان روشن نیستند. در شرایط حاضر به نظر می‌آید که خود مسائل هم روشن نیستند.

عوامل بحران

بحran «روشن نبودن مسائل» ناشی است از عوامل چندی که همه با هم و مجموعاً وضعیت موجود را باعث شده‌اند:

۱ - داعیه دست یافتن به حقیقت: برخی بر این باورند که صرف اعتقاد به یک حقیقت در یک دین مساوی است با در اختیار داشتن آن حقیقت. طبیعی است که فرد با این اندیشه که حقیقت را در اختیار دارد، چندان به معرفت دینی و مسائل آن توجهی نخواهد کرد.

۲ - دین مخصوصاً پس از وجهه ایدئولوژیک یافتن، داعیه آن دارد که در

عرصه هایی مانند علوم انسانی، معنی دادن به زندگی، ارائه چهره‌ای آرمانی از زندگی، عرفان و هنر، همه مسائل و چارچوبها را روشن کند، ولی عرصه های ذکر شده آن چنان متعدد، پیچیده و روشنمند شده اند که دین سنتی نمی تواند همه آنها را متکفل شود.

۳- در دنیای امروز نگاه شناخت شناسانه و مرتبه دوم به دین بر باورها و اعتقادات محض و اولیه غلبه دارد. بنابر این در جامعه ای که اعتقادات مرتبه اول و باورهای ساده، طلب می شود این خواست با دیگر وجود جامعه ناسازگاری پیدا می کند. همچنین مراکز علمی دینی در همان معرفت مرتبه اول و مطالعه همراه با ایمان یا برای تقویت ایمان به فعالیت مشغولند.

۴- بحران های اجتماعی می توانند به بحران در اندیشه دینی منجر شوند. در جوامعی که به شدت بی ثبات هستند و تحولات اجتماعی شدید است یا گسیختگی و عدم و فاق اجتماعی وجود دارد، این بی ثباتی واقعیت اجتماعی یا گسیختگی به بی ثباتی در اندیشه ها نیز منتقل می شود و هیچ لزومی ندارد که افراد یک عصر به این رابطه واقف باشند: «کسانی که مجری آن اصلاحات بودند و معاصرینشان که درباره آن قلمفرسایی می کردند، هیچ کدام به این نکته واقف نبودند که انقلاب بزرگی که در قرن شانزدهم در قیمتها روی داد- و در بسیاری موارد بهای اجناس را چهار برابر کرد- یکی از عوامل مهم در تعارضات عصر اصلاح دین بود.»^(۱) تجربه استعمار، سلطه بیگانه، شکستهای ملی، وابستگی اقتصادی، نابرابری و فقر، بحرانهایی هستند که مسلمانان را بیش از توجه به مسائل اصلی و جدی خود در دنیای معاصر به دستور العمل صادر کردن کشانده است.

۵- فرهنگ عملی و اخلاقی جامعه که ضرورتاً مبتنی یا برخاسته از دین نیست، خود می تواند بر اندیشه دینی مؤثر واقع شود. در جامعه ای که به عنوان

۱. مهتا، ود. فیلسوفان و مورخان، ترجمه عزت الله فولادوند، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۴۹.